

سلسلہ دروس خارج

اصول فقہ

استاد پیدہ حسن خمینی

موضوع: وضع

جلسہ:

۵۶

تاریخ:

۱۹/۱۰/۱۴۲۸

تعريف وضع در كلمات اصوليون

١. آخوند
خراساني

الوضع :
نحو اختصاص للفظ بالمعنى و ارتباط خاص
بينهما .. و بهذا المعنى صحّ تقسيمه الى التعيينى و
التعيينى

٢. نظر صاحب
الفصول

الوضع :
تعيين اللفظ للدلالة على المعنى بنفسه
فالتعيين جنس يشمل جميع التعيينات :
- التعيين عن قصد : الوضع التعيينى
- التعيين من غير قصد : الوضع التعيينى

٣. محقق نهاوندى

الوضع :
عبارة عن تعهد الواضع لغيره بانه لا يتكلم باللفظ الفلانى الا
عند ارادة تفهيم المعنى الفلانى

تعريف وضع در
كلمات اصوليون

٣. محقق
نهاوندی

الوضع :
عبارة عن تعهد الواضع لغيره بانه لا يتكلم باللفظ الفلاني
ألا عند ارادة تفهيم المعنى الفلاني

نظرات
ديگران

مرحوم حائري :
«ان يتلزم الواضع انه متى اراد معنى و تعقله و اراد افهام الغير، **تكلم بلفظ** كذا فإذا التفت
المخاطب بهذا التزام ينتقل الى ذلك المعنى عند استماع ذلك اللفظ منه»

مرحوم خوئي :
«ان حقيقة الوضع عبارة عن التعهد **بابراز المعنى** الذي تعلق قصد المتكلم بتفهيمة **بلفظ**
مخصوص ؛ فكل واحد من اهل اي لغة متعهد في نفسه متى ما اراد تفهيم معنى خاص،
أن يجعل مبرزه لفظاً مخصوصاً»

تعهد چندین فرض دارد:

۱. تعهد می کند : هر وقت معنی را تصور کرد، این لفظ را بیاورد
← مراد هیچ یک از سه بزرگوار نیست
۲. تعهد می کند : هر وقت معنی را تصور کرد و خواست آن را تفهیم کند، این لفظ را بیاورد
← ظاهر عبارت مرحوم حائری
۳. تعهد می کند : هر وقت معنی را تصور کرد و خواست آن را به وسیله لفظ تفهیم کند، این لفظ را آورد
← ظاهر عبارت مرحوم خوئی (اگر «بلفظ مخصوص» را متعلق به «تفهیم» بگیریم)
۴. تعهد می کند، هر گاه این لفظ را آورد، این معنی را اراده کرده است
← ظاهر عبارت مرحوم نهایندی

فرض اول **غلط** است :

چراکه گاهی معنی را تصور می کنیم برای **خودمان** و بس!

.۱

فرض دوم **غلط** است :

چراکه چه بسا معنی را به وسیله **علامت** تفهیم می کنیم

.۲

فرض سوم **غلط** است:

چه بسا معنی را به وسیله معنای مجازی و با قرائن تفهیم می کنیم

.۳

فرض چهارم **غلط** است:

چه بسا این لفظ را به کار می برد برای هدفی **غیر از تفهیم**

.۴

مرحوم خوئی و حائری :

«تعهد می کند : وقتی معنی را خواست، لفظ را بیاورد»

مرحوم نهاوندی :

«تعهد می کند : وقتی لفظ را آورد، معنی را اراده کند»

تفاوت کلی

«مرحوم خوئی و حائری»

و «مرحوم نهاوندی»

اشکال اول حضرت امام

تعهد، **غیر از حقیقت** وضع است
چراکه تعهد از جعل و تعیین متأخر است و در حقیقت «التزام به عمل وضع»
است

جواب مرحوم خوئی

مراد از تعهد،
چیست؟

اگر مراد تعهد اولین کسی است که متصدی وضع می شود
می گوییم : چیزی قبل از تعهد نیست الا اینکه واضع لفظ و
معنی را تصور می کند

اگر مراد مستمعین است
می گوییم : هر کسی از این تعهد، مطلع شد او هم در نفس
خود متعهد می شود

ما می گوییم

عنایت امام به همان تعهد واضع اولی است
سیر تکوینی : تصور معنی و لفظ + ارتباط بین این دو + تعهد به
تبعیت از ارتباط

اشکال دوم
حضرت امام

«بل ربما يكون الواضع غير المستعمل فيكون الواضع للغير»
امام می فرماید : چگونه وضع تعهد واضح است در حالی که چه بسا واضح
این لفظ را استعمال نمی کند! (بلکه برای دیگران وضع می کند)

ان قلت :

واضع می تواند چنین تعهدی را در **وعاء عقلائی** جعل کند :
که هر گاه این لفظ استعمال شود، این معنی اراده شود

قلت :

«مبنای تعهد» = تعهد فردی = کیف نفسانی = عرض
«جعل تعهد» = امر اعتباری = مربوط به اعتبارات عقلائی

اللهم الا ان يقال :

وضع برای دیگران = یعنی پیشنهاد متعهد شدن دیگران است

ان قلت

+

قلت

+

اللهم الا ان

يقال

چرا ما که واضع نیستیم باید به تعهدی که واضع برای خودش کرده است متعهد شویم؟

اشکال سوم

اعتبارات عقلایی زمانی است که همه آن را بپذیرند

پس : واضع کسی است که اولین بار تعهد می کند ولی وضع زمانی شکل می گیرد که این تعهد توسط همه اهل یک لغت پذیرفته شود

لذا : اگر وضع توسط شخص صورت پذیرفت ولی دیگران نپذیرفتند، وضع صورت گرفته ولی نفع جمعی و عقلایی ندارد

جواب می
دهیم:

اشکال چهارم

تعهد = علقه بین دو فعل : «استعمال لفظ + اراده معنی»

در حالی که وضع عبارت است از : علقه بین «مفهوم (معنی) + لفظ»

نکته:

اولا :

قائلین به تعهد، ملتزم به این امر هستند

ثانیا :

طبق این عقیده نمی توان گفت : این لفظ به معنای آن است

بلکه باید گفت : اگر خواست این معنی را بگوید، این لفظ را بیاورد

(این اشکال کامل به نظر می رسد)